



خاله زمستان نرو  
ابرِ خودت را بَر  
برف بر ایم بریز  
باز کمی پُشتِ در

## خاله زمستان

● مریم اسلامی

من به بهار عزیز  
گفته‌ام از برف تو  
صحبت ما سالِ قبل  
بوده فقط حَرَف تو

خواست ببیند بهار  
سردی و رنگِ تو را  
خواست نشانش دهم  
برف قشنگِ تو را



## سُنْبُلْ خانم

● سمیه بابایی

مهمون ما یک گُله  
خوشبو خانم سُنْبُلْه  
ایستاده توی گلدون  
می خونه: جونمی جون  
دو تا شب و سه تا روز  
مونده به عید نوروز



# خنده‌ی بابا

● منیره هاشمی

دست بابامو می‌گیرم  
می‌گم بابا دوستت دارم  
وقتی می‌خواد بیرون بره  
بوس توی دستش می‌ذارم

بابام می‌ره صداش می‌آد  
صدای خنده‌هاش می‌آد  
بوسم بهش گفته که من  
دوستش دارم خیلی زیاد



تصویرگر: فریبا اصلیا

## یا علی (ع)

● خاتون حسنی

پدر بزرگ من  
کمی که ایستاد  
به شانه‌های من  
یواش تکیه داد

نفس گرفت و گفت  
سه دفعه «یا علی» (ع)  
رسید بی عصا  
کنار صندلی

